

تحلیل ارتباطی مشتقات «ربط» در قرآن کریم

● محمدصادق نصراللهی^۱

چکیده

«ارتباط» موضوع علم ارتباطات است و دال مرکزی آن به حساب می‌آید. این واژه معادل «Communication» در زبان انگلیسی است. در رویکرد مفهوم‌پردازانه در زیست‌بوم علمی ایران اسلامی، طرح این سؤال جالب و مفید است که مشتقات ربط در قرآن کریم چه مختصات مفهومی‌ای دارند. به دیگر سخن، از منظر علم ارتباطات، ریشه ربط و مشتقات آن در قرآن کریم چگونه تحلیل می‌شود؟ این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن شناسایی ۵ آیه‌ای که دارای شقی از مشتقات ربط است، به تحلیل ارتباطی ربط در دو سطح پرداخته است: سطح اول و حداقلی (تحلیل ابعاد ارتباطی مشتقات ربط در قرآن کریم) و سطح دوم و حداکثری (نسبت‌شناسی مفهومی ربط در قرآن و ارتباط در علوم ارتباطات). در سطح اول، ابعاد ارتباطی سه اصطلاح «رباط الخیل»، «ربط قلب» و «مرابطه» استخراج شده است. رباط الخیل، اگرچه دارای معنای نظامی است، درون‌مایه‌های ارتباطی غیرصریح دارد که از آن جمله می‌توان به ارتباط مؤمنان مجاهد با مؤمنان، خیول و کافران اشاره کرد. ربط قلب بر پدیده ناب ارتباطی در ساحت معنوی دلالت دارد که دو ویژگی «بدون پیام بودن» و «ارتباط کامل‌تر بودن» را می‌توان به آن نسبت داد. در نهایت، لزوم داشتن فهم ارتباطی از مرابطه مورد تأکید این مقاله بوده که به‌عنوان «فراگرد تراکنشی» در جامعه ایمانی معرفی شده است؛ اما در سطح دوم، این ایده مطرح شده که ربط قرآنی با ارتباط امروزی دارای جوهره معنایی مشابه «اشتراک» و «اعتماد» است و از این‌رو، می‌توان گفت «مشترک معنوی» هستند.

واژگان کلیدی

مرباطه، ارتباطات و قرآن، ارتباطات دینی، دین و ارتباطات، ارتباط.

مقدمه

کلیدواژه «ارتباط» در زبان فارسی معادل واژه «Communication» در زبان انگلیسی تعریف شده است (محسنیان راد، ۱۳۸۲: ۳۹) که اصلی‌ترین واژه در «علم ارتباطات» است. به بیان دیگر، دال مرکزی این علم ارتباط است؛ دالی که تمامی دال‌ها و مفاهیم دیگر این رشته در نسبت با آن معنا و جایگاه پیدا می‌کنند. این همان مقوله‌ای است که علمای منطق موضوع علمی می‌نامند که تمام گزاره‌ها با آن نسبت دارند.

در زبان انگلیسی در تعریف لغوی و اصطلاحی این واژه معانی متعدد و متکثری آمده است. محسنیان راد، اندیشمند ایرانی علم ارتباطات، در کتب ارتباط‌شناسی و ارتباط‌شناسی ۲ و ارتباطات انسانی به تفصیل تعاریف مختلف را آورده و نشان داده که چه میزان تکثر و تنوع آراء در این مقوله وجود دارد. واژه‌هایی همچون رساندن، بخشیدن، انتقال دادن، آگاه کردن، مکالمه و مرادداشتن از جمله مترادف‌هایی است که در لغت‌نامه‌های انگلیسی ذکر شده است.

موضوع زمانی جالب می‌شود که در معادل‌یابی این واژه در زبان عربی رویه‌ای متفاوت با زبان فارسی اتخاذ شده است و از ریشه «وصل» کلیدواژگانی همچون «اتصال» یا «مواصله» یا «تواصل» معادل «Communication» در نظر گرفته شده و استعمالی از ریشه ربط در این حوزه مفهومی رؤیت نمی‌شود.

اینکه تبار استعمال ارتباط (در زبان فارسی) و اتصال (در زبان عربی) در فضای معنایی علم ارتباطات چه بوده است خود موضوعی جالب و درخور توجه است که البته در این مجال نمی‌گنجد؛ اما می‌تواند مدخل ورود به مسئله اصلی این مقاله باشد که به‌راستی ریشه ربط در قرآن چه ساحت و ماهیت مفهومی‌ای دارد. آیا اساساً ریشه «ربط» در قرآن کریم استفاده شده است؟ آیا این استعمال نسبتی با حوزه علم ارتباطات دارد؟ آیا قرآن استعمال و فهم ارتباطی از ریشه ربط داشته است یا نه؟ اساساً چارچوب قرآنی این واژه بیگانه با فضای علم ارتباطات است؟ این مسئله زمانی جالب‌تر می‌شود که اجمالاً بدانیم که معنای تحت‌اللفظی ربط در زبان عربی «بستن» است. این معنا، در نگاه اول، کاملاً غیرمرتبط با فضای علم ارتباطات است. در یک کلام و در مقام جمع‌بندی مسئله این مقاله، می‌توان گفت که با این سؤال اصلی مواجهیم: «از منظر علم ارتباطات، ریشه ربط در قرآن کریم چگونه تحلیل می‌شود؟» در این زمینه، این سؤالات فرعی مطرح است:

۱. حمید مولانا در مقدمه کتاب ارتباط‌شناسی (به قلم محسنیان راد) مناسب‌بودن «ارتباط» را به‌عنوان معادل واژه «Communication» مورد تأمل و تردید قرار می‌دهد و می‌نویسد: «آیا ترجمه این واژه انگلیسی به صورت «ارتباط» یا «ارتباطات» معنی اصلی و مفهوم کلی آن را در بر دارد؟ چراکه ریشه کامیونکاسیون لاتینی است و بیش از همه جنبه‌ای را که دو نقطه یا دو نفر چیزی با هم مشترک داشته باشند در بر دارد. لغت «ارتباط» در فارسی حاوی این بُعد اشتراکی نیست و معمولاً جنبه فنی و عملی دارد.» (محسنیان راد، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۵).

۱. مصادیق استعمال ربط و مشتقات آن در قرآن کریم چه مواردی است؟
 ۲. نظر مفسران درباره معنای موارد استعمالی مذکور چیست؟
 ۳. با توجه به سازه‌های مفهومی و نظری تعریف ارتباط، ابعاد ارتباطی مشتقات ربط در قرآن کریم چیست؟
 ۴. نسبت مفهومی «ربط در قرآن» با «ارتباط در علوم ارتباطات» چیست؟
- با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای مقاله بین دو ساحت «علوم ارتباطات» و «علم تفسیر»، پس از پیشینه‌شناسی، ابتدا در دو ساحت مجزا چارچوب نظری مقوله ارتباط و سپس چارچوب نظری قرآنی مقوله ربط مورد کنکاش قرار می‌گیرد. سپس در مقام تلیق، تحت عنوان «تحلیل ارتباطی ربط در قرآن کریم»، بین دو ساحت نظری ارتباط و پیوند برقرار می‌شود و وجه میان‌رشتگی مقاله نمودار می‌شود؛ بنابراین، مقاله ناگزیر است در بخش‌های ابتدایی جنبه‌ای دوساحتی داشته باشد که از رهگذر آن تلیق حاصل شود.

پیشینه پژوهش

مروری بر پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که پژوهش مستقلی در حوزه ارتباطات و قرآن با محوریت ریشه «ربط» صورت نگرفته است. این بدان معناست که اولاً در مورد ربط در قرآن از منظری قرآنی مفصل و مستقل بحث نشده است. ثانیاً در رویکرد میان‌رشته‌ای، چارچوب قرآنی این ریشه از منظری ارتباطاتی مورد توجه قرار نگرفته است. در این میان، این پژوهش‌ها بیشترین نسبت را با این مقاله دارند:

در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تفسیری جایگاه و نقش «مصابره» و «مربطه» در پیوند با امام عصر (عج)، با محوریت آیه ۲۰۰ سوره آل عمران»، فلاح در تلاش است که با استناد به روایاتی که از مربوطه تعبیر به پیوند با امام زمان (ع) می‌کنند، این آیه را در زمانه فعلی به مقوله ارتباط و پیوند با امام زمان (ع) مرتبط کند. این مقاله تلاش کرده مروری کلی بر آرای تفسیری ذیل این آیه نیز داشته باشد، اما در نهایت نگاه خاص خود را دارد. اگرچه تتبع نسبتاً خوب این مقاله می‌تواند در این پژوهش به کار رود، اما تمایز در آن است که در مقاله مذکور تنها به آیه ۲۰۰ سوره آل عمران پرداخته شده است؛ در حالی که در پژوهش پیش رو، با توجه به موضوعیت داشتن «ربط» و نه صرفاً «مربطه»، ابعاد تحلیلی فراتر از آیه مذکور است.

زرنگار در مقاله خویش با عنوان «مفهوم‌شناسی واژه‌های ارتباطات اجتماعی در قرآن کریم» که تلخیص کتاب وی با عنوان مبانی ارتباطات اجتماعی از منظر قرآن کریم است، اگرچه در ظاهر به نظر می‌رسد باید واژه ربط را بررسی کند، اما همان‌طور که خود در چکیده تصریح می‌کند، تلاش دارد کلیدواژه‌های اجتماعی و نه ارتباطی را که

مرتبط با واژه مجتمعه (جامعه) است بررسی کند. از همین رو، در ادامه پنج واژه جمع، قوم، شعب، قبیله و امت را مورد کنکاش قرار می‌دهد و این در حالی است که عملاً از یکی از کلیدواژگان ارتباطی یعنی «مراپطه» غافل است.

در مقاله دیگری با عنوان «الگوی ارتباطی قرآنی با توجه به گزاره‌های الگوی ارتباطی ان.ال.بی»، رفیع تلاش می‌کند در مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای مباحث قرآنی را پیرامون گزاره‌های مطرح شده در حوزه مطالعاتی «برنامه زبانی - عصبی»^۱ - که نسبت ارتباط و عصب را بررسی می‌کند - مطرح کند. این مقاله، ذیل سه بُعد ارتباط کلامی و غیر کلامی و کنترل سیستم عصبی در ارتباطات، اصول و ویژگی‌هایی همچون اصل فطرت، نقش پایگاه اجتماعی، نقش ظرفیت درونی، ارتباط چشمی، ارتباط شنوایی و... را مطرح می‌کند. در این میان، این مقاله هیچ پرداخت و استشهدی به آیات مرتبط با ریشه ربط نداشته است.

مبانی نظری پژوهش

ارتباط در علوم ارتباطات

مفهوم‌شناسی ارتباط

محسنیان راد، در آثار سه‌گانه مهم خویش که پیش‌تر ذکر شد، با کنکاشی مقایسه‌ای و جامع پیرامون تعاریف مختلف و متعدد «ارتباط» این تعریف را از علم ارتباط ارائه می‌کند: «ارتباط عبارت است از جریان، فراگرد و فراگرد تراکنشی جابه‌جایی پیام میان حداقل دو منبع معنی مشروط بر آنکه در منبع معنی ارتباط‌گیر، مشابهت معنی با معنی مورد نظر منبع معنی ارتباط‌گر ایجاد شود.» (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۱۲) اگر این تعریف را مبنای فهم خویش از پدیده ارتباط قرار دهیم، آن‌گاه این نکات را ناظر به آن می‌توان مطرح کرد:

- طبق این تعریف، ارتباط حداقل دو طرف ارتباطی دارد که ارتباط‌گر (فرستنده)^۲ و ارتباط‌گیر (گیرنده)^۳ نامیده می‌شود.

- همان‌گونه که هم نویسنده تأکید دارد و هم از خود تعریف هویداست، کلیدواژه اصلی ارتباط «معنا»^۴ است. در این تعریف، ۵ بار واژه معنا تکرار شده و اساساً شرط تحقق ارتباط معرفی شده است. در جایی که بین فرستنده و گیرنده اشتراک معنایی رخ ندهد، ارتباطی نیز برقرار نشده است. اینکه معنا چیست سؤالی سخت و پیچیده است که محسنیان راد تلاش کرده

1. Neuro-Linguistic Programming
2. Communicator & Sender
3. Communicatee & Reciever
4. Meaning

در سه کتاب مذکور زمان و توجه ویژه‌ای را بدان مصروف دارد؛ توجهی که متأثر از دیوید برلو، بنیان‌گذار و رئیس گروه آموزشی ارتباطات دانشگاه ایالتی میشیگان، بوده است. برلو، ضمن تأکید بر این دو کلیدجمله که «معنی‌ها در پیام نیستند» و «ارتباط دربرگیرنده انتقال معنی نیست»، معنا را چنین تعریف می‌کند: «درواقع، کلمات هیچ معنایی نمی‌دهند، بلکه معنی‌ها فقط در آدم‌ها هستند. معنا مسبب پاسخ‌ها می‌شود. آن‌ها چیزهایی شخصی هستند و درون ارگانسیم انسان‌اند. معنی‌ها آموخته می‌شوند. آن‌ها چیزی شخصی‌اند و دارایی‌های ما محسوب می‌شوند... خوشبختانه معمولاً ما افرادی را می‌یابیم که معنی‌هایی مشابه معنی‌های ما دارند و در نتیجه، با آن‌ها می‌توانیم ارتباط برقرار کنیم. آنانی که با یکدیگر تشابه معنی دارند می‌توانند ارتباط برقرار کنند و اگر فاقد این تشابه باشند، قادر به ارتباط با یکدیگر نیستند. ارتباط دربرگیرنده انتقال معنی نیست... فقط پیام است که قابل انتقال است و معنی درون پیام نیست. معنی‌ها در استفاده‌کنندگان پیام‌ها هستند.» (Berlo, 1960: 175) آنچه محسنیان راد در مقام جمع‌بندی از فروملینگ^۲ نقل می‌کند این است که: ۱. معنی‌ها در مردم‌اند، نه در کلمات؛ ۲. کلمات بیش از یک معنا دارند؛ ۳. درک معنی‌ها از راه‌هایی بیش از کلمات و حالات بدن صورت می‌گیرد؛ ۴. معنی‌های پذیرفته‌شده برای کلمات تغییر می‌کنند؛ و ۵. کلمات هیچ گونه معنی یا واقعیتی جدا از شخصی که آن‌ها را به کار برد ندارند (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۲۱). فهم نگارنده از معنای معنی در نگاه غربی آن شاید به مفاهیمی همچون فهم، تلقی و درک انباشتی انسان از هستی نزدیک شود؛ آن چیزی که ما به‌عنوان جهان‌بینی و باورداشت می‌شناسیم. به بیان دیگر، هر انسانی به‌مرور زمان منظومه‌ای فکری از عالم و پدیده‌ها پیدا می‌کند؛ این می‌شود معنای زندگی نزد او. محسنیان راد، در نهایت، معنی را این‌گونه تعریف می‌کند: «معنی حاصلی است از جریان شناخت و ارتباط که در بستر فرهنگ شکل گرفته و به‌صورت مولکول‌های پروتئین بزرگ در بخش‌های مرتبط با حافظه مغز ذخیره شده است. ممکن است ژن نیز در این حصل نقش داشته باشد.» (محسنیان راد، ۱۳۹۵: ۱۸۴) طبق این تعریف، محل استقرار معنا حافظه بلندمدت^۳ است و معنا تحت تأثیر شناخت، ارتباط، فرهنگ و ژنتیک شکل می‌گیرد. از طرف دیگر، معنا خود شرط تحقق ارتباط نیز هست. اینکه منظومه فکری افراد یا به بیان دقیق‌تر، انبان معانی آن‌ها دارای وجه مشترک باشد و طی ارتباط اشتراک معنا رخ دهد شرط تحقق ارتباط است.

1. Berlo

2. Froemling

۳. البته اینکه معنا را صرفاً مادی ببینیم و به حد مولکول‌های پروتئینی بزرگ تنزل دهیم مورد انتقاد متفکران اسلامی قرار گرفته است (ر.ک: همدانی، ۱۳۹۳: ۱۳۹۶).

مبتنی بر مفهوم «مشابهت معنا» میان ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر، طیف گسترده‌ای از انواع ارتباط - از عدم ارتباط تا ارتباط کامل - تعریف می‌شود. بر همین اساس، اگر معنای مورد نظر ارتباط‌گر را با M و معنای تجلی‌یافته در ارتباط‌گیر را با M' نمایش دهیم، این طیف چهارگانه مطرح می‌شود:

$$1. \text{ نا ارتباط (عدم ارتباط): } \frac{M'}{M} = 0$$

$$2. \text{ ارتباط ناقص: } \frac{M'}{M} < 1$$

$$3. \text{ ارتباط کامل: } \frac{M'}{M} = 1$$

$$4. \text{ ارتباط کامل تر (ارتباط کامل + ارتباط با خود): } \frac{M'}{M} > 1$$

به نظر می‌رسد که احتمال وقوع مورد اول و سوم اندک است و آنچه روزمره اتفاق می‌افتد مورد دوم است (محسنیان راد، ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۴۱).

اما ماهیت خود ارتباط، جریان، فراگرد و فراگرد تراکنشی جابه‌جایی و انتقال پیام است. طبق این تعبیر، آنچه در ارتباط منتقل می‌شود «پیام»^۲ است. پیام فراورده ارتباطات از سوی فرستنده است که بر ساخته‌ای از کلمات، دستور زبان، نظم‌دهی به افکار، ظاهر فیزیکی، حرکات بدن، صدا، جنبه‌های شخصیتی فرد و فهم او از خودش است (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۴۱). در واقع، پیام صورت عینی تجسم‌یافته معنا در قالب صدا، واژه، چهره و... است. برای پیام سه عنصر سازنده ذکر شده است: ۱. رمز یا نشانه؛ ۲. محتوا؛ و ۳. سبک یا نحوه ارائه. زمانی که من می‌نویسم: «مادر جان دوست دارم»، هریک از واژگان این جمله رمز و نشانه هستند. زمانی که همین جمله را با بولد کردن (برجسته کردن) مادر جان به این شکل بیاورم: «مادر جان دوست دارم»، سبک ارائه من متفاوت خواهد شد. محتوا نیز مقوله‌ای برآمده از جمع میان نشانه‌ها و نحوه ارائه آن‌هاست. در واقع، محتوا نماینده معنی مورد نظر ارتباط‌گر است و قرار است معنایی مشابه را در ارتباط‌گیر تجلی کند (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۴۲-۶۱). یکی از انقسام‌های مهم در این میان انواع پیام است. محسنیان راد پیام را به سه قسم تقسیم‌بندی می‌کند: ۱. نشانه‌های قراردادی گفتنی-نوشتنی؛ ۲. قراردادی نشان‌دانی؛ و ۳. غیرقراردادی نشان‌دانی که مصادیق آن‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. واژه مادر (دلالت بر زنی که انسان را به دنیا آورده)؛ ۲. تصویر سکوت

۱. محسنیان‌راد این نوع ارتباط را به کمک دانش هیوریستیک قابل توضیح می‌داند و در تبیین آن بر عنصر اختراع و خلاقیت تأکید می‌کند (ر.ک: محسنیان‌راد، ۱۳۹۵: ۱۴۱).

در بیمارستان‌ها (دلالت بر لزوم سکوت)؛ و ۳. سرخ‌شدن صورت در زمان خجالت‌کشیدن (دلالت بر کم‌رویی فرد) (محسنیان‌راد، ۱۳۹۱: ۴۸-۵۳).

درباره سه‌گانه «جریان، فراگرد و فراگرد تراکنشی»^۱ نیز باید گفت که ارتباط می‌تواند حالت یک‌طرفه یا جریانی داشته باشد. در سطحی پیچیده‌تر می‌تواند حالت دوطرفه و در اصطلاح، تعاملی^۲ یا آنچه در اینجا فراگرد نامیده می‌شود داشته باشد. در نهایت، اگر سطح تعامل تا آنجا باشد که دیگر تفکیک میان فرستنده و گیرنده امکان‌پذیر نباشد و هر دو سهم یکسانی در پیشبرد ارتباط داشته باشند، می‌توان گفت که با تراکنش ارتباطی مواجهیم؛ تراکنشی که یقیناً اعتماد از پیش‌الزامات آن است (محسنیان‌راد، ۱۳۹۵: ۷۹-۶۰).

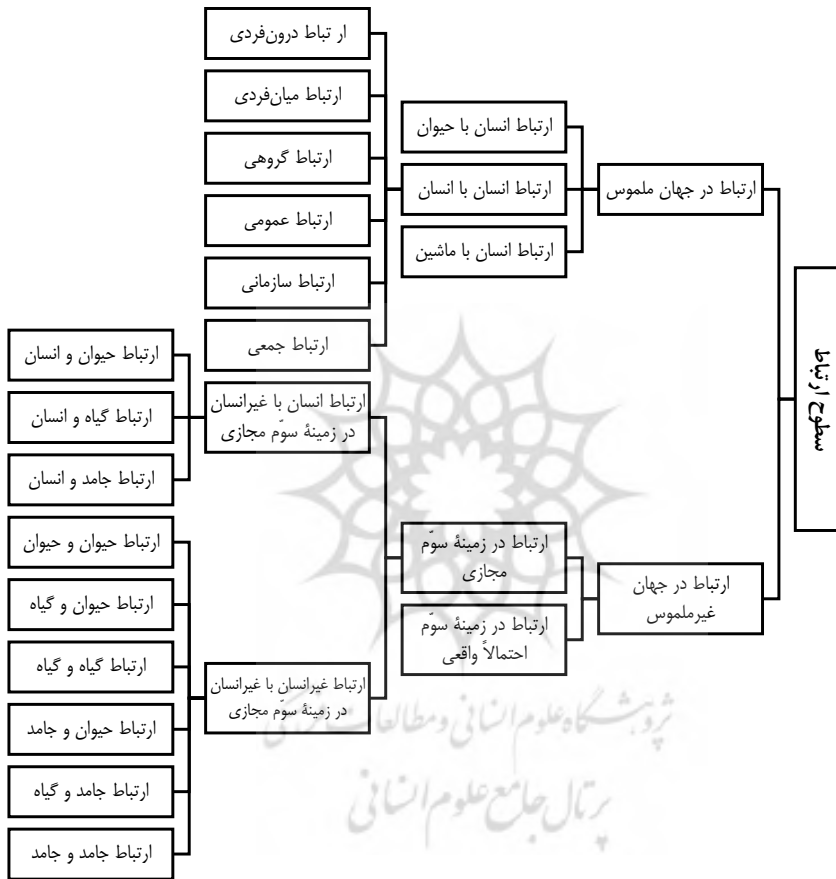
انواع ارتباطات انسانی

یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج و البته مهم ارتباط انقسام آن به دو قسم کلامی و غیر کلامی است. ملاک اصلی این تفکیک «زبان» است. زبان در اینجا نظام قراردادی دلالت الفاظ الفبایی بر مفاهیم است. اگر پیام از جنس زبان باشد، اعم از شفاهی و کتبی، «ارتباط کلامی»^۳ است (ریجموند و مک‌کروسکی^۴، ۱۳۸۲: ۸۵) و در مقابل، اگر پیام از جنس زبان نباشد، «ارتباط غیر کلامی»^۵ یا «ارتباط بی‌سخن» (آشوری، ۱۳۸۱: ۲۷۳) خواهد بود. به بیان دیگر، طبق تقسیم‌بندی محسنیان‌راد از پیام، هر کجا پیام قراردادی گفتنی - نوشتنی باشد، ارتباط کلامی است و هر کجا پیام قراردادی نشان‌دانی یا غیرقراردادی نشان‌دانی بود، «ارتباط غیر کلامی» خواهد بود. اگرچه، در ظاهر، ارتباط کلامی محسوس‌تر و پرطمطراق‌تر است، اما ارتباط غیر کلامی سهم بیشتری در تأثیر ارتباط دارد: «یکی از پیش‌تازان و پیشروان مطالعات غیر کلامی، بیردویسل^۶، مشخص کرده است که تنها ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقی‌مانده آن در زمره غیر کلامی است.» (فرهنگی، ۱۳۸۰: ۲۷۲) مایرز و مایرز^۷ پدیده‌های غیر کلامی را به دو گروه اساسی تقسیم‌بندی می‌کنند: الف) گروه فعالیت‌ها و رفتارها که عبارت‌اند از: فرازبان، حرکات چهره، نگاه خیره، حرکات دست و سر، زبان بدن، لمس کردن و زبان اشیاء؛ ب) گروه زمینه‌های دربرگیرنده غیر کلامی شامل زمان و فضا (۱۳۸۳: ۲۸۶).

1. Flow, Process & Transactional Process
2. Interaction
3. Verbal Communication
4. Richmond & McCroskey
5. Non-Verbal Communication
6. Birdwhistell
7. Myers & Myers

سطوح ارتباطات

یکی از مباحث نظری مبنایی در ارتباطشناسی سطوح ارتباط است؛ سرفصلی که در تفکیک پدیده‌های ارتباطی و نظم‌بخشی به این ساحت بسیار کارساز است. محسنیان راد در آخرین اثر خود، یعنی ارتباطشناسی ۲، به گونه‌ای کاملاً متفاوت انقسامی جدید از سطوح ارتباطی ارائه می‌کند:



شکل ۱. سطوح ارتباط (محسنیان راد، ۱۳۹۵)

بر اساس مباحث نظری‌ای که در این بخش ارائه شد، می‌توان ناظر به سؤال سوم فرعی

این مقاله سؤالاتی را از منظر علم ارتباطات درباره «ربط قرآنی» مطرح کرد:

۱. ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر چه کسانی هستند؟

۲. معنای مد نظر ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر چیست؟

۳. بر اساس میزان مشابهت معنایی بین ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر در چهارگانه ارتباطی کدام یک است؟

تحلیل ارتباطی مشتقات «ربط» در قرآن کریم

۴. ماهیت ارتباطی در سه‌گانه جریان، فراگرد و فراگرد تراکنشی کدام یک است؟
 ۵. پیام منتقل شده در سه‌گانه مذکور چه نوعی است؟
 ۶. ارتباط انسانی در دوگانه کلامی و غیر کلامی چه نوعی است؟
 ۷. سطح ارتباطی مطرح شده چیست؟
- در این پژوهش بنا داریم که در تحلیل ارتباطی از ربط قرآنی به سؤالات مذکور پاسخ دهیم. به نظر می‌رسد جدول ۱ می‌تواند محمل نظری لازم را برای تحلیل ارتباطی فراهم کند.

جدول ۱. چارچوب تحلیل ارتباطی

وجه تحلیل	مؤلفه ارتباطی	ابعاد ارتباطی
کیستی	کیستی ارتباطگر و ارتباطگیر	-
	چیستی معنای به اشتراک گذاشته	-
	چیستی پیام	-
شکل	شکل پیام	قراردادی خواندنی-نوشتنی، قراردادی نشان‌دانی، غیرقراردادی نشان‌دانی
	سطح ارتباط (انسانی/غیرانسانی)	ملموس/غیرملموس
	نوع ارتباط (کلامی/غیر کلامی)	کلامی/غیر کلامی
	ماهیت ارتباط (جریان، فراگرد، فراگرد تراکنشی)	جریان/فراگرد/فراگرد تراکنشی
	توفیق ارتباط	ارتباط کامل‌تر/کامل/نسبی/عدم ارتباط

مفهوم‌شناسی «ربط» در قرآن کریم

در این بخش تلاش می‌شود در دو سطح لغوی و اصطلاحی با مفهوم واژه ربط آشنا شویم. قاعدتاً مفهوم‌شناسی اصطلاحی این واژه ناظر به نگاه مفسران و نوع استعمال آن در قرآن کریم است.

مفهوم‌شناسی لغوی

این واژه متشکل از حروف راء، باء و طاء در باب ثلاثی مجرد فَعَلَ، یَفْعِلُ و باب ثلاثی مزید مفاعله استعمال دارد. مروری بر کتب لغت معتبر عربی نشان می‌دهد که به‌طور کلی واژه ربط در سه موضع استعمال دارد:

- **معنای عام بستن:** ربط الشیء به معنای «شده» یعنی «بستن محکم یک چیز» آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۷: ۳۰۲). همچنین در آن معنای «ثبات» یعنی استقرار، عدم تحرک و پایداری وجود دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۴۷۸). به بیان دیگر، بستن چیزی که باعث ثابت ماندن آن می‌شود. در همین زمینه، «ربط الفرس» مستعمل است و به معنای

بستن اسب جهت محافظت از اوست^۱ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۳۳۸) که طبیعتاً استقرار و ثابت ماندن اسب را در یک مکان موجب می‌شود. در مقام جمع‌بندی، اعتماد و اتکا به یک چیز و بستن به آن جهت ثابت ماندن^۲ ماهیت و جان‌مایه این واژه است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۲۸).

– **معنای خاص حوزه نظامی:** استعمال ریشه ربط در این حوزه معنایی بیشتر در باب ثلاثی مزید «رباط» و «مربطه» است. رباط الجیش به معنای «استراحتگاه سربازان» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۵) و به‌طور کلی، رباط به معنای «مکان مخصوص اقامت نگهبانان»^۳ است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۳۳۸). مربوطه نیز به معنای «ملازمه ثغر العدو» (مراقبت از یورش و نفوذ دشمن) یا همان «مرزبانی» یا «مرزداری» آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۳۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۷: ۳۰۲). در لسان العرب، در تعریفی تفصیلی‌تر از مربوطه، وجه استعمال ربط را تشریح می‌کند: «المُرَابِطَةُ أَنْ يَرْبِطَ الْفَرِيقَانِ خَيْولَهُمَا فِي ثَغْرِ كُلِّ مِنْهُمَا مَعَدَّ لِصَاحِبِهِ»؛ یعنی، دو گروه اسب‌هایشان را بسته‌اند (تجهیز کرده‌اند) و هریک خود را برای یورش طرف مقابل آماده کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۷: ۳۰۲). البته ابن فارس وجه استعمال دیگری مطرح می‌کند و آن این است که مرزبانان کانه در مرز بسته می‌شوند و استقرار می‌یابند و مراقب آن هستند^۴ (۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۴۷۸). از همین معنا، استعمال «إرتبط فرساً» را داریم که به معنای بردن اسب برای مرزبانی در مقابل دشمن است^۵ (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰: ۲۶۱).

– **معنای خاص حوزه باطنی و درونی:** یک معنای آخری نیز ربط در حوزه قلبی و درونی انسان دارد که به‌نوعی معنای مجازی آن است. ابن منظور «رباطة» را به معنای «اشتداد قلبه و وثق و حزم فلم يفر عند الرّوع»، یعنی آرامش قلب هنگام ترس، تعریف می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۷: ۳۰۳؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰: ۲۶۱). در همین زمینه، اصطلاح «رابط الجأش» یا همان قوی‌دل را داریم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۳۳۹). البته امروزه ربط در عربی معاصر به معنای رابطه و پیوستگی، یعنی همان معنایی که در فارسی فهم می‌شود، نیز استعمال می‌شود. مثلاً «ضابط الإرتباط فی الجیش» به معنای افسر رابط میان فرماندهان است یا مربوطه به معنای گروهی که با هم هم‌بستگی و پیوستگی داشته باشند (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۹ و ۸۰۲).

۱. شده بالمکان للحفظ.

۲. أن الأصل الواحد فی هذه المادّة: هو التوثيق والشّد متعلّقاً بشيء أو فی موضوع لیثبت علی تلك الحال.

۳. المكان الذی یخصّ بإقامة حفظة فیه.

۴. و من الباب الرّباط: ملازمه ثغر العدو، كأنهم قد رُبطوا هناك فثبّتوا به ولازموه.

۵. و ارتبط فرساً: اتّخذة للرّباط أی لمُرابطة العدو و تقول هو يرتبط كذا و كذا من الخيل.

مفهوم‌شناسی قرآنی

اما معنای اصطلاحی این واژه را با توجه به رویکرد قرآنی این مقاله باید از آیاتی که این واژه در آن‌ها ذکر شده فهم کرد. جست‌وجوی ریشه «ربط» در قرآن کریم ما را با تعداد معدودی آیه، یعنی تنها ۵ آیه شریفه، مواجه می‌کند؛ بنابراین، این واژه کم‌بسامد و کم‌تکرار در قرآن کریم است. البته این کمیت اندک الزاماً نشان از کم‌اهمیت بودن آن نیست.

مروری کلی بر آیات نشان می‌دهد که تقریباً تمامی آیات همان معانی لغوی را پوشش می‌دهند، به غیر از یک آیه که سرچشمهٔ منازعه‌ای تفسیری در باب ماهیت ارتباطی ربط در قرآن خواهد بود و متعاقباً مورد بحث قرار می‌گیرد.

- رباط الخیل: آیه‌ای که هم‌زمان هم معنای عام بستن از آن برداشت می‌شود و هم معنای نظامی آیهٔ ۶۰ سورهٔ مبارکهٔ انفال است. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ^۱» در این آیه، رباط مبالغه در بستن (ربط) است و ربط کمی سست‌تر از گره (عقد) است. خیل نیز به معنای اسب است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۹: ۱۱۴)؛ بنابراین، ترکیب رباط الخیل یعنی «اسب‌های بسته‌شده»، البته بسیاری از ترجمه‌های فارسی از رباط الخیل به اسب‌های ورزیده تعبیر کرده‌اند (ر.ک: ترجمهٔ انصاریان و مکارم شیرازی). برخی کتب لغت نیز خیل را هم به معنای سوار دانسته‌اند و هم به معنای مرکب و بر این باورند که در مورد هر دو استعمال دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۶۵۰). بر همین اساس، آیهٔ شریفه توصیه می‌کند تا آنجا که می‌توانید قدرت جنگی خویش را افزایش دهید تا رعب و ترس در دل دشمن افتد. با توجه به اینکه جنگجوی اسب‌سوار یا اسب‌جنگی یکی از اصلی‌ترین عوامل قدرت جنگی در آن زمان بوده است، در اینجا مصداقاً و تصریحاً ذکر شده است.

- ربط قلب: اما بیشترین استعمال واژهٔ ربط در قرآن کریم به صورت ترکیبی با واژهٔ «قلب» است و ناظر به معنای سَوم لغوی - یعنی حوزهٔ باطنی و درونی - است. در سه مورد واژهٔ ربط به همراه قلب آمده است:

۱. آیهٔ ۱۱ سورهٔ مبارکهٔ انفال: «إِذْ يُغَشِّبُكُمُ التُّغَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ^۲»

۱. هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد! (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

۲. و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را

در سیاق جنگ بدر صادر شده و از جهتی نسبتی با فضای محاربه و جنگ دارد و این خود نکته‌ای درخور توجه است که معنای باطنی ربط با معنای نظامی آن می‌تواند پیوند داشته باشد. خطاب آیه مؤمنانی هستند که همراه با رسول خدا (ص) به قصد جهاد وارد منطقه بدر شده‌اند. پروردگار عالم در شب محاربه دو نعمت را بر مجاهدان ارزانی داشت: خواب سبک (تغشیه نعاس) و نزول باران (تنزیل ماء). به واسطه این دو نعمت، مجاهدان و مؤمنان تطهیر شدند و از پلیدی و شیطان دور شدند و ربط قلب و ثبات قدم یافتند.

از جهت درونی و باطنی، قوت قلب پیدا کردند و آرامش درونی یافتند و از جهت بیرونی و ظاهری، ثبات قدم و قوت جسمانی. در مقابل نیز، در آیه بعد می‌فرماید که القای رعب و وحشت در دل کفار می‌کنم؛ یعنی، حالت قلبی و باطنی مقابل «ربط قلب» که همان «رعب قلب» است در کفار حاصل می‌شود. آنچه از آیه ۱۲ سوره مبارکه انفال مورد استشهاد ماست تعبیر «لیربط علی قلوبکم» است؛ یعنی، خداوند مؤمنان را به‌ویژه در مواقع حساس و سخت قوت قلب می‌بخشد و به آن‌ها آرامش می‌دهد. مفسران ربط قلب را همان «شد علی قلب»، یعنی محکم شدن قلب، دانسته‌اند که باعث سکن‌گزیدن، تشجیع، قوت قلب و همچنین سکون نفس و اعتماد می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۸۰۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۸۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۲۲).

۲. آیه ۱۴ سوره کهف «وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا» به علنی شدن ایمان و توحید اصحاب کهف اشاره دارد. اظهار توحید در جامعه مشرک حقیقتاً نیاز به شجاعت و جسارت فراوان دارد. در این آیه اشاره می‌کند که این شجاعت را خداوند به واسطه ایجاد استحکام در قلب آن‌ها و دوری آن‌ها از اضطراب و نگرانی به ایشان عطا کرد. نکته‌ای که در این آیه درخور توجه است ربط قلب را خداوند مستقیماً به خود نسبت می‌دهد. اگر در آیه پیشین، طی علل و اسبابی (خواب سبک و نزول باران) دل مجاهدان بدر قرص و محکم شد، در اینجا جنبه تکوینی و دفعی آرامش درونی در اصحاب کهف جدی‌تر و پررنگ‌تر است.

۳. آیه ۱۰ سوره قصص «وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» ناظر به داستان مادر حضرت موسی (ع) است؛ هنگامی که فرزندش را به رود نیل سپرد. طبیعی است که چنین عملی خطر فراوان داشت و به‌عنوان مادر به‌شدت دل‌نگران سرنوشت نوزاد بود. در این آیه می‌فرماید دل مادر پر از ترس و اندوه شد و اگر ربط قلب پروردگار نبود و دل او محکم نمی‌شد، سر حضرت موسی (ع) را آشکار

با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دل‌هایتان را محکم، و گام‌ها را با آن استوار دارد! (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۷۸).
 ۱. و دل‌هایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است؛ هرگز غیر او معبودی را نمی‌خوانیم؛ که اگر چنین کنیم، سخنی بگزار گفته‌ایم (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲۹۴).

می‌کرد. در سه آیه قبل‌تر نیز کیفیت ربط قلب (قوت قلب) مشخص شده است: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»^۱ (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶: ۱۲) به نظر می‌رسد که فرایند ربط قلب مادر حضرت موسی (ع) بدین شکل بوده است که خداوند از طریق وحی به وی القا کرده و این معنا را در وجود وی متجلی کرده که ما فرزندان را به تو برمی‌گردانیم و او را از فرستادگان قرار می‌دهیم، بنابراین ترس و نگران نباش و در اینجا بوده که قلب مادر فارغ از ترس و اضطراب شده است.

در مقام جمع‌بندی از سه آیه مذکور می‌توان گفت:

- رابطه هم‌نشینی قوی و مستحکمی بین ربط و قلب در قرآن کریم وجود دارد؛ به طوری که می‌توان به‌شکلی بدیع از اصطلاحی با عنوان «ربط قلب» به معنای «آرامش درونی» یا «سکون خاطر» سخن به میان آورد.

- «ربط قلب» بر سنت الهی در خصوص مؤمنان دلالت دارد. ربط قلب، به‌عنوان قاعده، مدد الهی به مؤمنان امتحان‌پس‌داده در موقعیت‌های سخت و پیچیده است. به بیان دیگر، هنگامی که انسان مؤمن در دوره‌های انتخاب‌های سخت و پیچیده رضایت خدا را انتخاب کند که در ظاهر به ضرر وی است، سنت الهی ربط قلب به جریان می‌افتد و این انتخاب موجب آرامش، سکون و طمأنینه باطنی مؤمن می‌شود.

- مخاطب ربط قلب در هر سه آیه شریفه مؤمنان هستند. این مؤمنان به‌شکل مصداقی مجاهدان جنگ بدر، اصحاب کهف و مادر حضرت موسی (ع) هستند. از این معنا برداشت می‌شود که ربط قلب تنها شامل مؤمنان می‌شود.

- ربط قلب، علاوه بر امر پسینی و واکنشی به امتحان ایمان، امر پیشینی و کنشی و فعال به ازدیاد ایمان است. تعبیر «لنكون من المؤمنين» در داستان مادر حضرت موسی (ع) ناظر به همین قاعده است؛ بنابراین، بین ربط قلب و ایمان رابطه متقابل وجود دارد. همین ایمان باعث ربط قلب می‌شود و هم ربط قلب باعث ایمان می‌شود.

- هم‌نشینی میان ایمان و ربط قلب تا آنجاست که می‌توان آرامش درونی یا همان ربط قلب را نشانه ایمان دانست. به بیان دیگر، آرامش داشتن خصلت عمومی مؤمنان است.

- سازوکار ربط قلب به‌طور دقیق در قرآن کریم مطرح نشده است، اما به‌اجمال می‌توان گفت که این امر هم می‌تواند مستقیم و بدون دخالت علل و اسباب باشد و هم می‌تواند با واسطه و با دخالت علل و اسباب. به نظر می‌رسد در داستان مادر حضرت موسی (ع) و اصحاب

۱. (قصص: ۷). ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده؛ و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن؛ و ترس و غمگین مباش که ما او را به تو باز می‌گردانیم و او را از رسولان قرار می‌دهیم!» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۸۶).

کهف سنت ربط قلب به شکل اول رخ داده؛ چراکه به‌ویژه در قضیه مادر حضرت موسی(ع) به‌صراحت از وحی و القای مستقیم پروردگار بر قلب وی سخن به میان می‌آید؛ درحالی‌که در داستان مجاهدان جنگ بدر به‌صراحت گفته می‌شود که خواب سبک و بارش باران، به‌عنوان دو سبب مهم، موجب ربط قلب در مجاهدان شدند.

- ربط قلب مستقیم نوعاً به‌شکل دفعی است؛ درحالی‌که ربط قلب با واسطه به‌احتمال زیاد تدریجی‌تر است. تعابیری چون این کادت یا اذ قاموا حساسیت موقعیت از جهت ضیق زمانی را نشان می‌دهد که طبیعتاً ربط قلب را نیز فوری می‌انگارد.

مرابطه

اما آخرین آیه‌ای که به نظر می‌رسد مهم‌ترین کاربرد و کارکرد را برای این پژوهش دارد و از حیث تفسیری پرمناقشه و چالش‌برانگیز است آیه ۲۰۰ سوره آل عمران است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». مروری بر تفاسیر نشان می‌دهد که نوعی تفاوت و تکثر دیدگاه در معناشناسی «رابطوا» وجود دارد و تفاسیر مختلف معانی مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند. البته ریشه این تفاوت‌نظر به روایات صادرشده مختلف ناظر به این آیه شریفه و به‌ویژه مرابطه برمی‌گردد. به‌طورکلی، می‌توان گفت که مفسران ۴ معنا را از مرابطه مطرح کرده‌اند: ۱. مراقبت از نماز و انتظارکشیدن برای آن؛ ۲. مرزبانی و مرزداری؛ ۳. ارتباط و هم‌بستگی مؤمنان؛ ۴. ارتباط با امام معصوم (ع) و دفاع از وی. در این میان، تفاسیر متقدم بیشتر دو معنای اول را مطرح کرده‌اند و در میان آن دو نیز معنای مرزبانی را قوی‌تر و مؤکدتر مطرح کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۱۹-۹۱۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۳۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳: ۹۵). همچنین معدود تفاسیر متأخر نیز بر این دو معنا تأکید دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۳۴-۲۳۵). این در حالی است که تفاسیر متأخر نوعاً طریق دیگر را برگزیده‌اند و بر دو معنای دوم به‌ویژه مقوله ارتباطات اجتماعی مؤمنان تأکید دارند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۹۲؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۴۶۴). علامه طباطبائی در این زمینه می‌نویسد: «و رابطوا [مربطه] از نظر معنا اعم از مصابره است، [چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد] و مرابطه یعنی ایجاد جماعت و اجتماع. [از طریق] وصل کردن (ارتباط) همه نیروها و کارهای اشخاص، در تمام شئون زندگی دینی، چه در حال سختی و چه در حال خوشی. چون مراد از مرابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد.»^۱ (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۹۲)^۲ البته شق سوم از تفاسیر متأخر هستند که مرابطه را ذواباد و

۱. قوله تعالى: وَ رَابِطُوا أعم معنى من المصابرة و هي إجماع الجماعة، الإرتباط بين قواهم و أفعالهم في جميع شئون حياتهم الدينية أعم من حال الشدة و حال الرخاء و لما كان المراد بذلك نيل حقيقة السعادة المقصودة للدينا و الآخرة. و إلا فلا يتم بها إلا بعض سعادة الدنيا و ليست بحقيقة السعادة.

۲. علامه طباطبائی ذیل این آیه بحثی مفصل حدوداً ۴۰ صفحه‌ای تحت عنوان «کلام فی المرابطه فی المجتمع الاسلامی» دارد

دارای سلسله مراتب دانسته‌اند و هر ۴ حوزه معنایی را در مورد آن صحیح می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۷۷۲؛ قرآتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۸۶).

در مقام جمع‌بندی از آیه مذکور و حل مناقشه تفسیری آن باید گفت که این مقاله رویکرد تفسیری دوم - یعنی برداشت عام از آیه در فضای اجتماعی و عادی جامعه - و همچنین تعبیر مرابطه را به «ارتباطات اجتماعی» ترجیح می‌دهد. تنها دو علت برای این ترجیح مطرح می‌شود:

- نقد استدلال طرفداران معنای مرزبانی: اصلی‌ترین استدلالی که مفسران متقدم در معناشناسی مرابطه به مرزبانی دارند آن است که با توجه به اینکه باب مفاعله بر کار طرفینی دلالت می‌کند، مصابره و مرابطه بر صبر و ربط طرفینی دلالت دارد. در اینجا، طرفین مؤمنان و کافران هستند؛ بنابراین، مفهوم آیه این است که مؤمنان باید در مقابل صبر دشمن صبر کنند یا در مقابل هجوم دشمن، دفاع و مرزبانی کنند. جوادی آملی در نقد این رویکرد اشاره‌ای به نگاه زمخشری در الکشاف دارد که این دو کلمه دارای هیئت باب مفاعله‌اند؛ اما، به فعل طرفینی چگونه می‌توان امر کرد اگر یکی از دو گروه اهل باطل باشند و از صبر و رباط نهی شده باشند؟ بر همین اساس، زمخشری به نوعی مجبور شده است که معنای مغالبه را - که معنای مجازی است - از مصابره و مرابطه برداشت کند؛ بدان معنا که در صبر و رباط بر دشمن غلبه کنید؛ یعنی، دشمن اهل صبر و رباط است و شما باید صابتر و مرابط‌تر، یعنی مرزدارتر، باشید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۷۷۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۶۰). طبیعی است که در اینجا و با این استدلال نمی‌توان معنای حقیقی مرابطه را برداشت کرد. این در حالی است که اگر طبق نگاه علامه طباطبائی مخاطب مصابره و مرابطه را مؤمنان بدانیم، یعنی مؤمنان با هم صبر کنند و با هم ارتباط داشته باشند، معنای حقیقی از این آیه فهم شده است.

- غلبه استعمال ربط در قرآن در معنای غیرنظامی آن: همان‌طور که پیش از این گفته شد، ۵ مورد استعمال ریشه ربط در قرآن وجود دارد که به‌غیر از آیه مورد مناقشه در اینجا، یک آیه ناظر به رباط الخیل در فضای جنگ با کفار است و سه آیه دیگر ربط قلب است و ناظر به ارتباط قلبی مؤمن با پروردگار عالم. طبیعتاً اگر بخواهیم رویکرد قرآنی به این آیه را در تفسیر این آیه لحاظ کنیم، غلبه کمی معنای ربط قلب را که معنایی غیرنظامی است، بر رباط الخیل خواهیم داشت. به بیان دیگر، اگر بخواهیم معنای مرابطه را احاله به آیات دیگر دهیم، طبیعی است که استعمال معنای غیرنظامی غلبه دارد.

که مباحثی از جنس مباحث جامعه‌شناختی و علوم اجتماعی مطرح می‌کند.

۱. بحث از مفهوم‌شناسی مرابطه در قرآن کریم، طبق روایات و آرای مفسران، بحث مستوفی و مفصلی را می‌طلبد که مجال دیگری را می‌طلبد. نگارنده بنای این مهم را در مقاله دیگری دارد.

۲. گاهی هر دو طرف هم‌گرا و هم‌جهت‌اند، مانند مساعدت؛ و گاهی واگرا هستند، مانند مقاتله.

جمع‌بندی مفهوم‌شناسی قرآنی

- هر سه معنای لغوی «ربط» در قرآن کریم استعمال دارد؛ اما معنای خاص حوزه باطنی و درونی که ناظر به مفهوم «آرامش درونی» و «قوت قلب» است، جنبه غلبه دارد و از میان ۵ آیه، ۳ آیه شریفه به این معناست و آن را با ترکیب «ربط علی قلب» آورده است.

- با توجه به استدلال‌های صورت‌گرفته، لازم است آیه ۱۰۰ سوره آل عمران در بافت اجتماعی عادی و غیرجنگی فهم شود و در این صورت فهم از رابطه یا رباط در این آیه «هم‌پیوندی ارتباطی» یا در سطحی کلان‌تر «هم‌بستگی اجتماعی» در جامعه ایمانی خواهد بود.

- به نظر می‌رسد که احاطه معنایی «رابطه» به «ربط قلب» و نه «رباط الخیل» با اتخاذ رویکرد تفسیری قرآن به قرآن می‌تواند ابعاد نظری جدیدی را از واژه رابطه عیان کند؛ نظریه‌ای که رابطه را به‌عنوان الگوی ارتباطات اجتماعی در جامعه ایمانی معرفی می‌کند که به هم‌بستگی اجتماعی منجر می‌شود.

تحلیل ارتباطی «ربط» در قرآن کریم تحلیل ارتباطی «رباط الخیل»

رباط الخیل به معنای اسب‌های بسته‌شده که کنایه از اسب‌های آماده برای جنگیدن است، در ظاهر دلالت ارتباطی ندارد؛ اما به نظر می‌رسد که در اینجا نیز جنبه‌های ارتباطی جدی‌ای از پدیده نظامی قابلیت طرح و بررسی دارد. در کل می‌توان گفت چهار نوع ارتباط در اینجا داریم: ارتباط خیول با یکدیگر؛ ارتباط مؤمنان مجاهد با یکدیگر؛ ارتباط مؤمنان مجاهد با خیول؛ و ارتباط مؤمنان مجاهد با کافران.

- **ارتباط خیول با یکدیگر:** در این آیه تلویحاً امر شده که در فضای جنگ اسب‌ها را به یکدیگر ببندید^۱. حتی برخی از کتب لغت عدد ۵ به بالا را برای تعداد اسب‌هایی که به رباط الخیل تعبیر می‌شود^۲ ذکر کرده‌اند (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰: ۲۶۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۴۷۸)؛ کانه کمیت تجمع اسبان کنار یکدیگر مهم است. به نظر می‌رسد که قرارگیری اسبان جنگی در کنار یکدیگر یقیناً زمینه‌ای را برای ارتباط‌گیری حیوانات با یکدیگر فراهم می‌کند. شاید تمرکز مکانی اسب‌های جنگی و ارتباط‌گیری آن‌ها با یکدیگر پیش از جنگ اثر مثبتی روی جنگاوری آن‌ها داشته که قرآن نیز به آن امر کرده است. شاید

۱. البته کتب لغت از بستن اسب‌ها تعبیر به آماده‌سازی و تجهیز اسب‌ها کرده‌اند که معنای مجازی از رباط الخیل است.

۲. الرِّبَاطُ: الْخَيْلُ الْخَمْسُ مِنْهَا فَمَا فَوْقَهَا.

این آیه بر قاعده‌ای رفتاری در حیواناتی چون اسبها دلالت داشته باشد. بر همین اساس، می‌توان نوعی ارتباط در سطح ارتباط «حیوان با حیوان» را از این آیه برداشت کرد. اینکه مفهوم منبع معنی و معنا را بتوان در قبال حیوان مطرح کرد به نظر به بنیان‌های نظری نیاز دارد؛ اما بالاجمال می‌توان گفت که جنس پیام غیرکلامی است و نوع انتقال پیام فراگردی.

- ارتباط مؤمنان با یکدیگر: همان‌طور که راغب اصفهانی در مفردات گفته و پیش‌تر هم به آن اشاره شد، از رباط الخیل، علاوه بر مرکب، راکب اسب‌سوار نیز برداشت می‌شود؛ یعنی تا آنجا که می‌توانید سوارکار جنگی تدارک ببینید. به نظر می‌رسد که تکرر و تجمع اسب‌سواران جنگی در میدان محاربه، ضمن آنکه کارکرد اثربخش نظامی دارد و موجب هم‌افزایی می‌شود، از رهگذر ارتباطی نیز تحلیل‌پذیر است؛ بنابراین، رباط الخیل می‌تواند به‌عنوان ارتباط انسان با انسان از گونه‌ی ارتباط درون‌گروهی مؤمنان مجاهد تلقی شود. طبیعتاً صرف تجمع جنگاوران در یک نقطه جهت آمادگی برای جنگیدن تبادل پیام غیرکلامی ضمنی را به‌شکل دائمی دارد؛ پیامی که در طی انتقال آن، معنای مشترک «تقویت هم‌رزم» بین مجاهدان متجلی می‌شود. مشخص است که انتقال این پیام به‌شکل فراگردی است.

- ارتباط مؤمنان با خیول: ترکیب دو سنخ ارتباط مذکور به نوع سوّمی از ارتباط بین سوارکاران مؤمن با اسب‌هایشان منجر می‌شود که از سنخ ارتباط انسان با حیوان است؛ ارتباطی که در درون مایه‌ی خویش معنای «هم‌افزایی» را به ذهن متبادر می‌کند؛ یعنی، تجمع سوارکاران و اسب‌هایشان در یک مکان معنای با هم بودن و تقویت یکدیگر را به همراه خواهد داشت. صرف تجمع پیام غیرکلامی برای بازیگران ارتباطی دارد که به‌شکل فراگردی بین آن در حال نقل و انتقال است.

- ارتباط مؤمنان با کافران: در همین آیه تصریح شده که تجهیز شدن مؤمنان مجاهد به قدرت و از جمله ابزار جنگی (اسب‌های ورزیده) سبب ترس کفار (ترهیبون به عدو الله و عدوکم) می‌شود؛ بنابراین، این پدیده نیز خود یک ارتباط است؛ ارتباطی از سنخ انسان با انسان در سطح ارتباط میان‌گروهی (گروه مؤمنان و گروه کافران) که پیامی غیرکلامی برای دشمنان دارد. محتوای این پیام قدرتمند بودن است. به تعبیری دیگر، معنای مد نظر مؤمنان ترساندن است که از طریق تجهیز خود به‌سان پیامی غیرکلامی به اسب‌سواران و اسب‌های جنگی سبب بروز ترس، رعب و وحشت به‌عنوان معنای متجلی در کافران می‌شوند. البته نوع انتقال این پیام از جنس جریان و یک‌طرفه است.

در پایان، تأکید بر این نکته لازم است که اگرچه در حالت اثباتی و تجویزی این آیه تمامی

ارتباطات رخ داده در پدیده «رباط الخیل» باید کامل باشد؛ اما در عمل و به شکل واقع گرایانه، آنچه اتفاق می افتد نسبی رو به کامل است.

جدول ۲. تحلیل ارتباطی «رباط الخیل»

رباط الخیل				وجه تحلیل
ارتباط مؤمنان مجاهد با کافران	ارتباط مؤمنان مجاهد با خیول	ارتباط مؤمنان مجاهد با یکدیگر	ارتباط خیول با یکدیگر	
مؤمن مجاهد - کافر	مؤمن مجاهد - اسب جنگی	مؤمن مجاهد - مؤمن مجاهد	اسب جنگی - اسب جنگی	تفاوت
ترس کافران	احتمالاً هم افزایی	تقویت هم‌زمان	احتمالاً هم افزایی اسبان جنگی	
انواع ابزار جنگی تجهیز شده به ویژه اسب‌های جنگی و سوارکاران	اسب‌ها و سوارکاران متجمع	سوارکاران متجمع	اسب‌های متجمع	
غیر قراردادی نشان دانی	غیر قراردادی نشان دانی	غیر قراردادی نشان دانی	غیر قراردادی نشان دانی	تفاوت
ارتباط انسان با انسان - گروهی (بین گروهی)	ارتباط انسان با حیوان	ارتباط انسان با انسان - گروهی (درون گروهی)	ارتباط حیوان با حیوان	
غیر کلامی	غیر کلامی	غیر کلامی	غیر کلامی	
جریان	فراگرد	فراگرد	فراگرد	
نسبی متمایل به کامل	نسبی متمایل به کامل	نسبی متمایل به کامل	نسبی متمایل به کامل	

تحلیل ارتباطی «ربط قلب»

به نظر می‌رسد که «ربط قلب» ارتباطی ویژه، مغفول و جالب در علوم ارتباط باشد؛ ارتباطی که دارای ویژگی‌ها و خصلت‌هایی است که شاید هنوز ابزارهای کشف در علوم ارتباطات امکان کشف ابعاد ناشناخته آن را نداشته باشد. در این ارتباط، ارتباطگر خداوند متعال است و ارتباطگیر مؤمنی است که در بوتۀ آزمایش است، اما در مقام تصمیم و عمل، امتحان را به خوبی پس داده و ربط قلب هدیه الهی است که سبب می‌شود موقعیت ابتلا به سرانجام نیک خویش برسد. به طور مصداقی در قرآن کریم، ارتباطگیران مجاهدان بدر، اصحاب کهف و مادر حضرت موسی (ع) هستند. معنای به اشتراک گذاشته در اینجا «یقین مضاعف و قوت قلب» است. هر سه گروه اتکایشان به خداوند است و به پروردگار و یاری او باور دارند. در مقام ابتلا نیز حقیقی بودن این باور را نشان داده‌اند. خداوند نیز با ربط قلب بر این ایمانشان می‌افزاید. به بیان دیگر، در این

ارتباط، مؤمن درک جدیدی از ایمان پیدا می‌کند که موجب قوت قلب او می‌شود. در باب ماهیت پیام ارتباطی ربط ظاهراً تفاوت معناداری بین مصادیق وجود دارد. در داستان مجاهدان بدر، به‌صراحت اسباب مادی خواب سبک و نزول باران به‌عنوان پیام ارتباطی مطرح شده است؛ درحالی‌که دربارهٔ مادر حضرت موسی(ع) از وحی سخن به میان می‌آید و در داستان اصحاب کهف گزارشی از سوی قرآن وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد این موقعیت نیز با توجه به دفعی‌بودن آن به‌احتمال زیاد مشابه موقعیت مادر حضرت موسی(ع) باشد. در اینجا، با پدیدهٔ ناب و ناشناختهٔ ارتباطی مواجهیم؛ پدیده‌ای که علوم ارتباطات مادی عاجز از درک آن است که آن عبارت است «ارتباط بدون پیام». اگر پیام را طبق تعاریف صورت مادی و عینی معنا بدانیم، در ربط قلب مادر حضرت موسی(ع) چه پیامی به‌شکل عینی و مادی منتقل شده است؟ همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم و تفاسیر هم بدان اشاره دارند، سخن وحی در اینجا «الهام به قلب فرد و نوعی القای باطنی» است؛ یعنی، شخص در باطن خود به‌یک‌باره معنایی را درمی‌یابد. به نظر می‌رسد «ارتباط بدون پیام» پدیده‌ای ارتباطی است که می‌تواند سبب تجدیدنظرهای جدی در مقولهٔ ارتباط باشد. البته شاید لازم باشد که تعریف متفاوت، بلکه موسع‌تری از پیام را در علم ارتباطات داشته باشیم و سخن از «پیام غیرعینی، غیرمادی و باطنی» به میان آوریم. به‌هرحال، با تعاریف موجود پیام در علم ارتباطات، ربط قلب نوعی «ارتباط بدون پیام» است؛ حتی شاید بتوان گفت که در ربط قلب «پیام همان معناست». همین اتفاق است که سبب می‌شود که ربط قلب همیشه ارتباطی کامل، بلکه کامل‌تر باشد. متعاقب همین بحث باید گفت که اگر قائل به چیزی به نام «پیام باطنی» باشیم، آن‌گاه شکل پیام «غیرقراردادی القاشدنی» یا «غیرقراردادی الهام‌شدنی» است؛ یعنی، نه از سخن قراردادی است و نه از سخن نشان‌دانی؛ بلکه به‌کلی ساحت دیگری است. اگر هم قائل به عدم وجود پیام باشیم که شکل پیام در اینجا سالبه به انتفاء موضوع است.

سطح ارتباط نیز در اینجا از نوع ارتباط در زمینهٔ سوّم نه احتمالاً واقعی، بلکه حتماً واقعی است. در نگاه قرآنی، ارتباط الهی اساساً اصل ارتباط است و ناب‌ترین و کامل‌ترین ارتباطات در این سطح برقرار می‌شود. نوع ارتباط در اینجا از حیث کلامی و غیرکلامی بودن سالبه انتفاء موضوع است؛ چراکه پیامی وجود ندارد؛ اما اگر قائل به پیام باطنی باشیم، طبیعتاً پیام غیرکلامی باطنی است.

در باب ماهیت ارتباط هم باید گفت که نفس خود ربط قلب نوعی ارتباط یک‌طرفه و جریان‌گونه از سوی پروردگار است که به آرامش مؤمن منجر می‌شود. خود لفظ علیّی در «ربط علیّی» نشان از این استعلاء و عمودی‌بودن دارد؛ اما در تحلیلی عمیق‌تر شاید بتوان این ارتباط را فراگرد هم دانست؛ بدین معنا که انسان مؤمن با خوب امتحان پس‌دادن خویش و اثبات ایمان

خود پیامی به پروردگار می‌دهد و خداوند با ربط قلب ایمان او را مضاعف می‌کند. به بیان دیگر، ربط قلب بر ارتباطی پیشین مبتنی است که در آن مؤمن ارتباط‌گر است و خداوند ارتباط‌گیر. اگر این تحلیل را بپذیریم، آن‌گاه سنخ ربط قلب فراگردی می‌شود.

در نهایت باید گفت که در اینجا بسته به آنکه ارتباط را در ربط قلب جریان‌گونه ببینیم یا فراگردی، مقولهٔ توفیق ارتباطی می‌تواند بین ارتباط کامل و کامل‌تر در دوران باشد. ربط قلب به‌سان جریان ارتباطی یقیناً ارتباطی کامل است؛ یعنی، تمامی شروط چهارگانهٔ ارتباط کامل را شامل می‌شود؛ اما اگر ربط قلب را به‌سان فراگرد بدانیم، به تعبیر نویسنده، با ویژگی بسیار منحصر به فرد ارتباطی مواجهیم که شاید شک‌وشبهه را در خصوص وجود خارجی پدیده‌ای به نام «ارتباط کامل‌تر» مرتفع کند؛ ارتباطی که محسنیان راد در کتاب خویش تنها به‌عنوان یک حدس و چشم‌انداز در حوزهٔ هیورستیک^۱ و در ارتباط انسان با خود مطرح می‌کند، اما شاید بتوان آن را در پدیدهٔ ربط قلب به‌عنوان ارتباط الهی انسان با خداوند به‌شکلی یقینی و مشخص مطرح کرد. در ربط قلب، مؤمن معنای ایمان و اتکا به خداوند را در منبع معنی خود دارد؛ اما در ربط قلب مرتبهٔ وجودی این ایمان ارتقا می‌یابد و در قلب مؤمن تعمیق می‌یابد. شاید این تعبیر صحیح باشد که علم‌الیقین او به خداوند به عین‌الیقین و حق‌الیقین مبدل می‌شود و شاید بتوان این نوع ارتباط را ارتباط کامل‌تر نامید. ارتباط کامل‌تر با این تعبیر می‌شود تعمیق معنا در عمیق‌ترین لایه‌های نفسانی و روحانی انسان.

جدول ۳. تحلیل ارتباطی «ربط قلب»

وجه تحلیل	ربط قلب		
	مؤلفهٔ ارتباطی	اصحاب کهف	مجاهدان بدر
معماری	کیستی ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر	خدا - اصحاب کهف	خدا - مجاهدان بدر
	چیستی معنای به‌اشتراک گذاشته	یقین مضاعف و قوت قلب	یقین مضاعف و قوت قلب
	چیستی پیام	احتمالاً بدون پیام (القای باطنی)	خواب سبک و نزول باران
تحلیلی	شکل پیام	غیر قراردادی نشان‌دانی	غیر قراردادی نشان‌دانی
	سطح ارتباط	ارتباط در زمینهٔ سوّم واقعی (ارتباط الهی)	ارتباط در زمینهٔ سوّم واقعی (ارتباط الهی)
	نوع ارتباط	غیر قراردادی القاشدنی	غیر قراردادی القاشدنی
	ماهیت ارتباط	ارتباط در زمینهٔ سوّم واقعی (ارتباط الهی)	ارتباط در زمینهٔ سوّم واقعی (ارتباط الهی)
	توفیق ارتباط	کامل یا کامل‌تر	کامل یا کامل‌تر
	توفیق ارتباط	کامل یا کامل‌تر	کامل یا کامل‌تر

تحلیل ارتباطی «مرباطه»

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، از مرباطه در این آیه شریفه لزوم برقراری «ارتباط اجتماعی» مؤمنان برداشت می‌شود. ذیل این آیه شریفه، جریان روایی قابل‌توجهی وجود دارد که نقش امام (ع) را در مرباطه برجسته می‌کند. در این زمینه تعبیری همچون «ابطوا امامکم»، «ابطوا مع امامکم»، «ابطوا علی ائمه»، «ابطوا علی ما تقتدون به» و «ابطوا امامکم المنتظر» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۲۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۷۳۰) آمده است؛ بنابراین، نقش امام معصوم (ع) به‌سان نخ تسبیح و ستون و محور ارتباطات اجتماعی در جامعه ایمانی است و وجود او جهت تحقق نظام مطلوب ارتباطی امری لازم و ضروری است. در کنار این منطق، تعریف مرباطه در دو سطح خرد و کلان نیز می‌تواند معنادار باشد. از تلاقی این دو منطق می‌توان چهار حالت را برای مرباطه متصور بود که در جدول ۴ آمده که شامل نکاتی است:

- کلان معنای به‌اشتراک گذاشته در مرباطه با توجه به ریشه‌های معنایی آن «هم‌بستگی» است. به بیان دیگر، در رابطه ایمانی، مؤمنان به هم وابسته هستند و در اوج هم‌افزایی، اعتماد و اتکا به هم هستند.

- مرباطه امری مشکک است که در اکثر سطوح ارتباطی - از ارتباط میان‌فردی گرفته تا گروهی و سازمانی - می‌تواند مصداق داشته باشد. آنچه به نظر می‌رسد در سطح کلان طبق فرهنگ قرآنی قابلیت طرح خلاقانه دارد «ارتباط امتی» است. امت واژه و مفهومی برآمده از فرهنگ قرآنی است که فراتر از دولت‌مملتها و ناظر به جمع مؤمنان در کلان‌ترین شکل آن است.

- آنچه به‌عنوان ویژگی ممتاز در مرباطه به‌ویژه در مقایسه با دو اصطلاح پیشین از منظر ارتباطی باید مد نظر قرار گیرد ماهیت تراکنشی آن است. از آنجا که مرباطه بر وزن مفاعله است و مفاعله نیز بر معنای مشارکت دلالت دارد، به نظر می‌رسد که درون‌مایه مشارکت کاملاً بر مفهوم تراکنش که در علم ارتباطات مطرح می‌شود، قابلیت تطبیق دارد. به بیان دیگر، مرباطه ارتباطی یک‌سویه و جریان‌گونه نیست؛ بلکه تعامل و طرفینی‌بودن در آن موضوعیت دارد.

- در مرباطه، توفیق ارتباطی از جهت اثباتی و تجویزی کامل است، اما از جهت ثبوتی نسبی روبه‌کامل خواهد بود.

جدول ۴. تحلیل ارتباطی مرابطه

وجه تحلیل	مؤلفه ارتباطی			
	مرابطه		سطح خرد	
	سطح کلان		سطح خرد	
ب	کیستی ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر	مؤمن - مؤمن	مؤمن - امام	مؤمنان - مؤمنان
	چیستی معنای به‌اشتراک گذاشته	هم‌بستگی	هم‌بستگی	هم‌بستگی
	چیستی پیام	-	-	-
	شکل پیام	-	-	-
ب	سطح ارتباط	ارتباط میان فردی	ارتباط میان فردی	ارتباط گروهی و سازمانی
	نوع ارتباط	کلامی / غیر کلامی	کلامی / غیر کلامی	کلامی / غیر کلامی
	ماهیت ارتباط	فراگرد تراکنشی	فراگرد تراکنشی	فراگرد تراکنشی
	توفیق ارتباط	نسبی متمایل به کامل	نسبی متمایل به کامل	نسبی متمایل به کامل

بحث و نتیجه‌گیری

تا بدینجا تلاش شد ذیل مسئله اصلی این مقاله، یعنی تحلیل ارتباطی ربط قرآنی، ضمن مروری بر ۵ آیه‌ای که این ریشه در آن‌ها استعمال شده، ابعاد ارتباطی سه اصطلاح «رباط الخیل»، «ربط قلب» و «مرباطه» بررسی و کنکاش شود. حال در مقام جمع‌بندی، نوبت به سؤال چهارم فرعی می‌رسد که نسبت مفهومی «ربط در قرآن» و «ارتباط در علوم ارتباطات» چیست. به بیان دیگر، آیا این دو واژه تنها مشترک لفظی‌اند و هیچ وجه اشتراک معنایی‌ای ندارند یا در حوزه مفهومی نیز با هم مشابه‌اند؟ با توجه به تحلیل لغوی و قرآنی صورت‌گرفته، می‌توان گفت که نسبت مفهومی ربط در قرآن و ارتباط در علوم ارتباطات در دو سطح طرح‌شدنی است:

سطح اول و حداقلی:

تحلیل ابعاد ارتباطی مشتقات ربط در قرآن کریم

در این سطح، مشتقات ربط قرآنی به‌عنوان پدیده‌هایی تعریف می‌شوند که دارای ابعاد ارتباطی‌اند. از این منظر «رباط الخیل»، «ربط قلب» و «مرباطه» به‌ترتیب پدیده‌هایی نظامی، روانی (باطنی) و اجتماعی هستند که البته ارتباطات در تمامی آن‌ها جنبه طریقی دارد و برشی تحلیلی به حساب می‌آید. به بیان دیگر، به‌ترتیب در سه تعبیر مذکور می‌توان «ارتباط نظامی»، «ارتباط باطنی» و «ارتباط اجتماعی» را مطرح کرد. البته از جهت غلظت ماهوی ارتباطی بودن،

۱. خط فاصله در این جدول بدان معناست که گزارش نشده و امری کلی و عام است؛ یعنی، منحصر در سنخ خاصی نیست.

می‌توان گفت که ربط الخیل در کمینه و مرابطه در بیشینه شدت ارتباطی قرار دارد؛ به طوری که مرابطه اساساً پدیده‌ای ارتباطی از جنس ارتباطات متعامل اجتماعی است. نکات برجسته و بدیع استنباط شده در این سطح ناظر به این موارد است:

- ربط الخیل می‌تواند نشان از نوعی ارتباط حیوان با حیوان باشد؛ جنبه‌ای که در ربط الخیل کمتر به آن توجه شده است.

- ربط قلب بر نوعی ارتباط ویژه و منحصر به فرد دلالت دارد که می‌تواند تعاریف موجود ارتباطات را به چالش بکشد و آن این گزاره کلیدی است که ربط قلب «ارتباط بدون پیام است». به تعبیری دیگر، اینجا اشتراک معنا بدون واسطه پیام رخ می‌دهد.

- اگر گفته شود که ارتباط بدون پیام امکان‌پذیر نیست، بنابراین باید گفت که در ربط قلب با شکل جدیدی از پیام مواجهیم که نه خواندنی - شنیدنی است و نه نشان‌دانی؛ بلکه الرهام‌شدنی و القاشدنی است.

- ربط قلب به سبب ویژگی پیشین می‌تواند مصداقی از ارتباط ناب و منحصر به فرد «ارتباط کامل‌تر» باشد؛ ارتباطی که باعث می‌شود معنای توحید و توکل فرد مؤمن تعمیق یابد.

- ارتباطات اجتماعی مؤمنان در جامعه ایمانی بر اساس مرابطه ارتباطی از جنس فراگرد تراکنشی است و باید تعامل و طرفینی بودن آن در اوج باشد.

سطح دوم و حداکثری:

نسبت‌شناسی مفهومی ربط در قرآن و ارتباط در علوم ارتباطات

اما در سطحی انتزاعی‌تر و کلی‌تر و از منظر مفهومی، این سؤال مطرح است که معنای لغوی و اصطلاحی ربط چه میزان با معنای ارتباط در علوم ارتباطات مشترک است. به بیان دیگر، ربط چه میزان واجد معانی نهفته در ارتباط است.

معنای حقیقی ربط بستن است؛ اما در همان زبان عربی با حفظ همین درون‌مایه معنایی استعمال مجازی، رابط الجأش یا ربط علی قلب را داریم که به شکل عینی و مادی بستنی رخ نداده است؛ اما به شکل معنوی، بستن قلب و محکم کردن آن تعبیر می‌شود. مثلاً در ربط قلب، دل مؤمن به خداوند اعتماد می‌یابد و نمی‌لرزد و قرص و محکم می‌شود.

از طرف دیگر، حمید مولانا در مقدمه کتاب ارتباط‌شناسی ۲ (تألیف محسنیان‌راد) تأکید می‌کند جوهره معنایی کامیونیکیشن در انگلیسی اشتراک و اعتماد است.^۱ اگرچه مولانا در این

۱. مولانا چنین می‌نویسد: «لغت کامیونیکاسیون در مدل‌های ریاضی، فلسفی و زیست‌شناسی توسط دانشمندان این رشته استفاده شده است و در امور اجتماعی بیش از همه، به عقیده من معنی و تعریف این واژه دو عامل و اصل مهم را در بر دارد: یکی اصل شرکت کردن یا مشارکت و دیگری اصل اعتماد. بدون این دو عامل کامیونیکاسیون آن‌طور که در علوم اجتماعی از آن باید استفاده شود معنی خود را از دست می‌دهد. مثلاً برای اینکه دو نفر باهم جریان و سیر کامیونیکاسیون پیدا کنند باید این دو فرد چیزی با هم شراکت داشته

فراز به سبب بی‌توجهی به جوهره معنایی ارتباط آن را نامناسب برای کامیونیکیشن می‌داند، اما با تتبع معنایی که در این مقاله صورت گرفت، می‌توان گفت که اتفاقاً معادل‌سازی ارتباط برای کامیونیکیشن انتخابی دقیق و مناسب بوده و ارتباط، به سبب جوهره معنایی که ربط در عربی دارد، کاملاً حائز دو اصل معرفی‌شده مولاناست. در ربط (به معنای بستن) هم اشتراک است و هم اعتماد. دو شیئی که به یکدیگر بسته می‌شوند، در محل بستن، درهم‌تنیده و مشترک می‌شوند و همین اشتراک باعث اعتماد و به تعبیر مصطفوی، پایداری، ثبات، آرامش و سکون می‌شود. هنگامی که اسبی به جایی بسته می‌شود، با آن محل اتصال مشترک می‌شود و همین باعث ثبات و سکون آن می‌شود. در ارتباط نیز زمانی که دو فرد باهم ارتباط می‌گیرند، از طریق انتقال پیام میان آن‌ها اشتراک معنا رخ می‌دهد و هر چقدر این اشتراک بیشتر رخ دهد، اعتماد هم به دنبال دارد. همان‌گونه که گفته شد، ربط قلب بین خدا و مؤمن به سبب آنکه اشتراک در حالت تام و تمام آن است، اعتماد نیز به کمال خود می‌رسد و همین اعتماد به قدرت لایتناهی الهی باعث آرامش مؤمن می‌شود. در مرابطه که به عنوان الگوی ارتباطات اجتماعی در جامعه ایمانی مطرح می‌شود، مؤمنان با برقراری ارتباط و اشتراک معنا باعث آرامش، سکون و اعتماد یکدیگر می‌شوند و همین امر در سطحی کلان‌تر به هم‌بستگی اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود؛ وضعیتی که در آن دل افراد جامعه به یکدیگر قرص است و اوج اعتماد اجتماعی رخ می‌دهد.

در پایان و به عنوان جمع‌بندی باید گفت که ربط قرآنی و ارتباط امروزی، از آن جهت که دارای جوهره معنایی واحد «اشتراک» و «اعتماد» هستند، از حیث مفهومی هم‌گرایی جدی‌ای دارند؛ به طوری که می‌توان گفت که جوهره معنایی ربط به‌ویژه در امر «رابطوا» کاملاً ارتباطی است و وجه ارتباطی آن بر وجوه دیگر غلبه دارد.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

باشند. این عامل را در انگلیسی «sharing» می‌گویند. علاوه بر این، برای اینکه این جریان ایجاد شود، این دو فرد باید حداقل اعتماد یا «trust» نسبت به هم داشته باشند. بدون این دو اصل، اعمال آن‌ها جنبه نقل و انتقال پیغام و کالاها را پیدا می‌کند که به انگلیسی شبیه «transportation» می‌شود و به فارسی به صورت اجتماعی، اتصال و به عقیده من ارتباطات را پیدا می‌کند. (محسنیان‌راد، ۱۳۸۲: ۱۶).

منابع و مأخذ

قرآن کریم

آشوری، داریوش (۱۳۸۱). **فرهنگ علوم انسانی**. تهران: نشر مرکز.
ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ ق.). **معجم مقاییس اللغة**. مصحح عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق.). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق.). **البرهان فی تفسیر القرآن**. قم: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة.
بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵). **فرهنگ ابجدی**. تهران: اسلامی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). **تسنیم**. قم: مرکز نشر اسراء.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). **ترجمه و تحقیق مفردات ألفاظ القرآن**. تهران: مرتضوی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق.). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: دارالعلم.

رفیع، مسعود (۱۳۹۶). «الگوی ارتباطی قرآنی؛ با توجه به گزاره‌های الگوی ارتباطی ان.ال.پی». **ماهنامه معرفت**. شماره ۲۳۸: ۶۹ - ۶۱

ریچموند، ویرجینیا پی و جیمز سی مک کروسکی (۱۳۸۲). **رفتار غیر کلامی در روابط میان فردی**. تهران: نشر دانژه.
زرنگار، احمد (۱۳۹۰). «مفهوم‌شناسی واژه‌های ارتباطات اجتماعی در قرآن کریم». **فصلنامه رادیو تلویزیون**. شماره ۱۶: ۱۹۲ - ۱۸۱

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق.). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**. بیروت: دارالکتاب العربی.

طالقانی، محمود (۱۳۶۲). **پرتوی از قرآن**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق.). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصرخسرو.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ ق.). **جوامع الجوامع**. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۰). **ارتباطات انسانی (مبانی)**. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
فلاح، محمدجواد (۱۳۹۷). «تحلیل تفسیری جایگاه و نقش «مصابره» و «مراپله» در پیوند با امام عصر (عج)، با محوریت آیه ۲۰۰ سوره آل عمران». **فصلنامه انتظار موعود**. شماره ۶۳: ۲۶ - ۵.

قزائنی، محسن (۱۳۸۸). **تفسیر نور**. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). **تفسیر القمی**. قم: دارالکتاب.

مایرز، گیل ای و میشله تی مایرز (۱۳۸۳). **پویایی ارتباطات انسانی**. ترجمه حوا صابر آملی. تهران: انتشارات دانشکده صداوسیما.

- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۵). ارتباط‌شناسی ۲. تهران: سروش.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۱). ارتباطات انسانی. تهران: سمت.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۲). ارتباط‌شناسی. تهران: سروش.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). ترجمه قرآن کریم. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- همدانی، مصطفی (۱۳۹۳). «نقد کتاب ارتباط‌شناسی». دوفصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی. شماره ۳۳: ۱۸۹ - ۱۱۵.
- همدانی، مصطفی (۱۳۹۶). «نقد سازه معناشناختی مدل ارتباطی منبع معنا از منظر حکمت متعالیه». دوفصلنامه حکمت صدرایی، شماره ۱: ۱۲۰ - ۱۰۹.
- Berlo, D. K. (1960). **The process of communication**. Contempomry Communication Research Methods.

